

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هجدهم
شماره ۲۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۶ فوریه ۲۰۱۸

"اسلام را پله کردید، مردم را ذله کردید"

فساد مانند قانقاریا سراپای رژیم را فرا گرفته است. این امر از نظر خود رژیم نیز مخفی نیست، ولی چگونه می‌شود در کشوری که نظارتی بر دولت نیست و با دست مستبد حکومت می‌شود با دزدان اموال عمومی مبارزه کرد. رژیم جمهوری اسلامی از همان بدو کار برای بقاء خود از کسانی حمایت کرد که از نظر فکری حامی وی بودند. مقامات و مسئولیتها نه بر اساس شایستگی و میهنپرستی، بلکه بر اساس وفاداری یک سگ خانگی به صاحبش تقسیم شد. این روش تقسیم مسئولیت زمینه را برای کلاهبرداران، بازیگران و چاپلوسان آماده ساخت تا با تظاهر به دینداری مناسب پردرآمد را در دست بگیرند. جناحی قدرتمند از چاقوکشان، باجگیران، دزدان، کلاهبرداران و راهزنان که حامیان این رژیم بودند، بوجود آمد. در کنار آنها بندهای خانوداگی و نفوذ آیات عظام افراد بی‌عرضه و ناشایسته را بر سر کار آوردند تا به الاف و الوفی برسند و مورد اطمینان حضرات باشند. آنها همانند رژیم گذشته ایران را نه وطن خود و ایرانیان را نه هموطن خود که دارای حقوق مساوی با آنها هستند، بلکه گنجینه‌ای برای غارت می‌دیدند. امروز در ایران شبکه مافیائی دزدی و چپاول وجود دارد و این فرهنگ از راس نظام شروع می‌شود. فرزندان خامنه‌ای و رفسنجانی همه و همه در این گنداب غوطه‌ورند و نقش شاپور غلامرضا و اشرف پهلوی را به عهده گرفته‌اند. "ماهی ز سر گنده گردد نی ز نم". تمام آقازاده‌ها در راس حکومت دزدند و به این جهت با دزدها مبارزه نمی‌شود و نمی‌تواند هم... ادامه در صفحه ۲

نه غزه، نه سوریه، نه لبنان، حمله کنید به ایران یک شعار امپریالیستی - صهیونیستی

اخیرا در نمایشات قابل فهم و محقانه معیشتی مردم ایران شعارهایی طرح شده است که اگر ناشی از بی‌خبری و نادانی نباشد، حتما توسط عمال و جاسوسان سازمانهای امنیتی غرب و اسرائیل طرح و تبلیغ می‌شود و متأسفانه در ایران به پاس خرابکاری-های جمهوری اسلامی زمین قابل رشد پیدا می‌کند. این شعارها فقط ظاهر فریبنده‌ای دارند، ولی در باطن برای به اسارت کشیدن مردم کشور ایران هستند. طبیعتا دشمنان ایران همه این شعارهای انحرافی را که مورد نظر آنها نیز هست، مورد تأیید قرار می‌دهند. ما برای اینکه مردم ایران به سابقه امر آشنا شوند و بدانند که این سیاستها، سیاستهای امپریالیستی و صهیونیستی در منطقه است به ترجمه اسنادی دست می‌زنیم که استدلالات ما را تقویت می‌کنند و به خوانندگان اسنادی ارائه می‌دهند تا خود داوری کنند. در همین راستا به سخنان آقای ترامپ توجه کنید که تا دیروز ملت ایران را تروریست خطاب می‌کرد و از ورودشان به آمریکا جلوگیری می‌کرد، و حال در حمایت از جنبش اخیر مردم ایران تنها تکیه خود را بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی و آنهم در بخشی که منافع امپریالیسم را مورد هجوم قرار ... ادامه در صفحه ۳

ضد انقلاب در ضد انقلاب

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در ایران، رژیمی است که حدود ۳۹ سال است بر ایران حکومت می‌کند. اوباشانی که در بدو انقلاب با ریش و پشم و به زور اعتبار مذهبی و اسلحه، سنگرهای پر نان و آب را اشغال کردند، تا توانستند با نمونه‌برداری از برداران قاجاچی پاسدار و آیت‌الله‌های مردم فریب و دزد، جیبهای خویش را پر نمودند. فساد و دزدی و غارت اموال عمومی به سیاست عمومی رژیم بدل شده است. باندهای مختلف که بر سر کار می‌آیند بر سر کسب و زارخانه‌های پر در آمد به نزاع می‌پردازند و رفتارشان طوری است که گوئی ایران را اشغال کرده‌اند. این راهزنان که میلیاردها دلار اموال عمومی را می‌دزدند و به راحتی فرار می‌کنند و یا پولهای خویش را در بانکهای خارجی انبار می‌نمایند خودشان واقفند که در ایران ماندنی نیستند و باید به موقع گورشان را گم کنند. وقتی ابعاد دزدی و ... ادامه در صفحه ۴

حق گرفتنی است

مهم این نیست که نمایشات اعتراضی در ایران، نخست در کادر نزاع بین جناحهای گوناگون هیئت حاکمه از جمله رئیسی، احمدی نژاد و... بر سر تعیین رهبری آینده ایران بر ضد لاریجانی و روحانی در گرفت. این امر تعیین کننده ماهیت جنبش کنونی نیست. مهم آن است که آتش از زیر خاکستر بیرون آمد و مردمی که مترصد بیان اعتراض های خویش بودند، به میدان آمدند و ابتکار عمل را خود در مقابل چشمان شگفت زده ارتجاع به دست گرفتند. آقای روحانی که با شورش مردم برای نان روبرو شده بود، نخست تاکتیک مسالمت‌آمیز را برگزید و مدعی شد که اعتراض حق مردم است. حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی هم تظاهرات غیرمسلحانه و مسالمت آمیز را به رسمیت شناخته است. ولی کسی در درون ایران به خاطر نمی‌آورد که غیرخودی‌ها امکان استفاده از این اصل بدیهی را داشته بوده باشند. در زمان خمینی عمال کمپته و به قولی کمپته‌چی‌ها و بعد از وی در زمانی رفسنجانی انصار حزب‌الله، گروه‌های فشار و بسیج از همه نمایشات اعتراضی مردم با کشتار، زندان و شکنجه جلو گرفتند و می‌گیرند. اینکه آقای روحانی حق اعتراض را به رسمیت می‌شناسد راه دیگری برای وی باقی نمانده است، زیرا مردم این حق را خود از وی به زور گرفته‌اند و پس نمی‌دهند.

آقای روحانی هوادار نمایشات اعتراضی با مجوز است، ولی کدام مجوز و به کدام سازمان و یا حزب سیاسی که در ایران آزاد باشد؟ در مملکتی که احزاب ممنوع هستند و فقط احزاب خودی حق فعالیت محدود دارند، سخن از مجوز گفتن حکم شوخی و توهین به شعور مردم است. این رئیس جمهور "امید" و با "کلید" می‌خواست به همه مشکلات مردم پایان دهد. رژیم تا خیانت ملی هم پیشرفت و منافع ملی ایران را به‌زیر پا گذارد. تجربه نشان داد که حتی خیانت ملی هم نتوانسته وی را نجات دهد. کسی که انگشتش را به امپریالیسم ... ادامه در صفحه ۶

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به پیوندید

اسلام را پله کردید...

بشود. دولت جمهوری اسلامی قادر نیست در شرایطی که فساد نهادینه شده است به جنگ آن برود. جنگیدن با فساد یعنی نابودی جناح بزرگی از حامیان رژیم که در این میان قدرتمند شده و حتی مسلح اند. بی-جهت نیست که مردم در اعتراضات خود فریاد می‌زدند: «اسلام رو پله کردید، مردم رو ذله کردید». امروز توده مردم از دست این اوباشان نوظهور ذله شده‌اند.

در چنین شرایطی فقط بسیج توده‌های مردم برای سرکوب طبقاتی این عده، مبارزه با فساد را ممکن می‌سازد. حتی کافی نیست که جناحهای دوراندیش رژیم چند تن از بستگان خویش را دستگیر کرده و محاکمه کنند تا موجب تسلی مردم شود، زیرا این عمل خود به مقاومت سایر دزدها و تشکلهای مافیائی در ایران منجر می‌شود که کار را به تسویه حساب متقابل خواهد کشاند. در مملکتی که امنیت وجود ندارد و قانونیت حرف مفت است هرکس در پی امنیت خویش است و برای طرف مقابلش سند سازی می‌کند تا جانش را حفظ نماید. برای مبارزه با فساد باید از پائین مردم را بسیج کرد تا فساد از ریشه زدوده شود. امروز کانادا به پایگاه دزدهای رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده است که با برمسند نشستگان کنونی خویشاوندی خانوادگی دارند و دستشان در دزدی و فرار بدون دردسر و بدون پیگرد از ایران باز بوده است. کسانی که خود در فکر فرار بی‌دردسر آینده هستند طبیعتاً نمی‌توانند راه فرارها را ببندند. یک کارگری که نان می‌خواهد و خواهان حقوق صنفی خویش است مانند رضا شهبابی را به زندان انداخته و آنچنان تحت فشار قرار دادند که دو بار سخته کرد، ولی دزدان سرگردنه که در رژیم حضور دارند از هر گونه مجازاتی معافند. سرکوب کارگران نشانه هراس رژیم از طبقه کارگر است، به این جهت از فعالیت هرگونه سندیکای کارگری ممانعت می‌کند. رژیم از اعتصاب عمومی و سراسری می‌ترسد که آنوقت تیر خلاصی به مغز آنهاست.

در مملکتی که نمایندگان مجلس انتصابی-اند و از صافی شورای نگهبان گذشته و فاقد هرگونه مصونیت پارلمانی می‌باشند، در مملکتی که رئیس قوه قضائیه و مقننه از دزدان سرگردنه هستند، امکان نظارت صادقانه، امکان انتقاد برای بهبود کارها، امکان مبارزه با دزدها وجود ندارد. خود دزدها در مجلس نشستند و می‌دانند که انتخابشان با دستور بوده و نماینده واقعی مردم ایران نیستند. پشت این نمایندگان قلابی خالی است و طبیعی است که در مقابل دزدی‌ها سکوت کنند و تخلفات را نادیده بگیرند. مردم می‌بینند که جای دزدها به جای زندان، بر مسند حکومت و جای آموزگاران، کارمندان، بازنشستگان و به-طور عمده کارگران که برای تامین حداقل معیشت خود مبارزه می‌کنند در زندان است. بی‌جهت نیست که فریاد می‌زنند: "

کشور ما دزد خونه است، توی جهان نمونه است".

آقای ابراهیم رزاقی یکی از کارشناسان اقتصادی با بیان این واقعیت که روحانی و احمدی‌نژاد هرکدام به‌گونه‌ای از فسادهای مدیران خود دفاع می‌کنند، تصریح کرد: "فسادها از پیش از زمان آیت‌الله هاشمی وجود داشت اما نه به این شدت و در سطح مقامات بالا. سوآلی که همواره مطرح است این است که چرا این فسادها اساساً در جمهوری اسلامی وجود دارد؟ چه پیش‌آمده است که فساد در این حجم گسترده در حال اتفاق افتادن است." وی ادامه داد: "فساد متأسفانه در همه سطوح وجود دارد. به‌طور مثال آن زمان جزایری به آقای کروی ۲۰۰ میلیارد تومان پول داد و زمانی که از آقای کروی پرسیدند چرا این پول را گرفته‌اید؟ گفتند که ما کاری به این نداریم که پول را از کجا گرفته‌ایم. یا مثلاً یکی از مراکز پارکینگ اتوبوس‌رانی که در طالقانی(خیابان منظور است-توفان) قرار دارد و اکنون به مرکز تجاری نور تبدیل شده است را به آقای مهدوی کنی داده بودند تا آن را تبدیل به دانشگاه امام صادق کنند، اما آقای مهدوی کنی آن زمین را تبدیل به مرکز تجاری می‌کند. تغییر این کاربری ۲۴ میلیارد تومان در اوایل انقلاب شده بود. از آقای کرباسچی در دادگاه پرسیدند که بر چه اساسی این ۲۴ میلیارد تومان را به آقای مهدوی کنی بخشیدید؟ گفت یک آقایی به ما یادداشتی داد و ما نیز این پول را پرداخت کردیم. حال شما وضعیت و شکل فساد در جمهوری اسلامی را ببینید که چگونه است."

این سخنان عمق فاجعه را نشان می‌دهد. با همین روشن بانکها را ورشکسته کردند. در همان زمان نیز مسئولان بانکها به این وضعیت اشاره کردند، ولی گوش دزدها به آن بدهکار نبود. فردی برای وام‌گیری کلان به بانکی مراجعه می‌کرد و تضمین وام وی دست خط یک آخوند پر نفوذی بود که قوای مسلح خود را داشت و تابع هیچ قانونی جز قانون تمایلات شخصی خویش نبود. هیچ مرجعی هم نه از وی پاسخ می‌خواست و نه وی پاسخگویی مرجعی بود. رئیس بانک که نه امنیت داشت و نه دل شیر، نمی‌توانست این دست‌خط را که نفی آن می‌توانست به بهای جانش تمام شود نادیده بگیرد. وقتی بدهکار به برکت از خصوصیت اسلامی فرار می‌کرد، دست بانکها به این افراد نمی‌رسید. همه آقازاده‌ها از این طریق اندوخته‌های مردم را به غارت بردند و هیچ یک از این آیات عظام را نمی‌شود محاکمه کرد به زندان انداخت. مسخره است که آقای روحانی مدعی می‌شود که احمدی نژاد ۳۲ میلیارد تومان به صندوق دولت بدهکار است، زیرا این صندوق در زمان تحویل کسری داشته است. احمدی نژاد خلاف سخنان روحانی را بیان می‌کند و کسی نیست رسیدگی کند. باید پرسید که اگر سخنان روحانی درست است و خودش دزد نیست و سر بریده‌ای زیر لحاف ندارد، چرا احمدی نژاد را به

عنوان دزد دستگیر نمی‌کند و پرونده وی را در اختیار مقامات قوه قضائیه قرار نمی‌دهد؟ ۳۲ میلیارد تومان پول کمی نیست که بشود نادیده گرفت. از زمان رفسنجانی که با برنامه بانک جهانی تعدیل اقتصادی صورت گرفت و قرار شد خصوصی-سازهای اموال عمومی اجراء شود و دولت کوچک گردد، وی پاسداران را مجبور ساخت که خودشان بودجه خویش را تامین کنند و لذا دست آنها را در اقدامات اقتصادی مستقل باز گذاشت. انحصاری مافیائی از این اقدام بیرون جهید که کسی در ایران حریف آنها نیست. از همان زمان است که اسکله‌های خصوصی ایجاد شده‌اند که بدون گمرک جنس وارد ایران می‌کنند. از این طریق میلیاردها ثروت ایران بر باد رفته است. بازار را جنسهای قاچاق گرفته و تولید داخلی را از بن برده است. کارخانه تولید قند هفت تپه دیگر سودی ندارد، زیرا تجار اسلامی با تعرفه‌های نازل گمرگی و بند و بست کافی، قند غیر قابل رقابت به بازارهای ایران سرازیر می‌کنند و کشور را نابود می‌نمایند.

مردم شاهدند در لایحه بودجه که به مجلس ارائه شد تمام نهادهای مذهبی بودجه بیشتری از دوره قبل دریافت داشتند و این در حالی است که حقوق مردم را نمی‌دهند و به صندوق‌های بازنشستگی دستبرد می‌زنند. کارگران و آموزگاران برای درخواست نان در زندان بسر می‌برند.(رجوع کنید به مقاله "زالو صفتان بیکاره که خون ملت را می‌مکند" در همین شماره).

مردم ایران شاهد این وضعیت بی‌حساب و کتاب هستند و جای شگفتی نیست که با تحقیر رژیم آخوندی شعار می‌دهند: «کشور که شاه نداره، حساب کتاب نداره!». این شعار ممکن است که ناشی از تبلیغات ضد انقلاب سلطنت طلبان دزد باشد که خودشان شاه دزد بودند، ولی در عین حال افساء بی-حساب و کتابی و فرار از مجازات و همدستی شرکای دزد و رفقای قافله هم، در رژیم جمهوری اسلامی نهادینه است. روشن است که فساد در این نظام نهادینه شده است و باید ساختار نظام را تغییر داد تا از این تخلفات صورت نگیرد و مردم ایران که در معیشت خود دچار مضیق‌اند و قربانی سیاستهای نئولیبرالی دولت‌ها از زمان رفسنجانی تا کنون شده‌اند، ناظر این فساد و غارت اموال مردم هستند. آنها سراپا خشم-اند و می‌بینند که مسئولان کاری برای مبارزه با فساد که ابعاد دزدبهایش به میلیاردها تومان رسیده است نمی‌کنند. این شکاف طبقاتی محصول سیاستهای نئولیبرالی هر دو جناح و دزدی‌های باندهای هر دو جناح است. فقط سرنگونی این رژیم و استقرار سوسیالیسم می‌تواند به این غارتها خاتمه دهد.

با تسلط رویونیسم بر حزب طبقه کارگر ماهیت پرولتری حزب تغییر می‌کند

نه غزه، نه سوریه، نه لبنان...
می‌دهد می‌گذارد.

ترامپ در چند ماه قبل در روز جمعه ۲۱ مهرماه در جمع سیاستمداران جمهوری‌خواه چنین ادعا کرد: «امروز بعد از ظهر، چند ساعت دیگر، درباره ایران صحبت خواهم کرد؛ ملتی تروریست که کمتر کشوری نظیر آن است. فکر می‌کنم سخنانم جالب باشد... در این دولت، ما شیطان را به نام خودش می‌نامیم. ما در کنار دوستان و متحدانمان (منظورش اسرائیل، عربستان، امارات متحده عربی و... است- توفان) هستیم. در جست‌وجوی صلح، شراکت‌ها و ائتلاف‌های جدید ایجاد می‌کنیم و علیه کسانی که به دنبال صدمه زدن به مردم ما باشند، قاطعانه اقدام می‌کنیم.» (تکیه از توفان).

ترامپ چندی بعد بدون احساس شرم در بیانیه‌ای که کاخ سفید منتشر کرد نوشت: «گزارش‌های زیادی از تظاهرات‌های مسالمت‌آمیز شهروندان ایران که از فساد رژیم و هدر دادن ثروت این کشور برای تأمین منابع مالی تروریسم در خارج این کشور خسته شده‌اند، وجود دارد.» (تکیه از توفان). ترامپ بدون اینکه به عربستان سعودی و یا شیوخ هودارش اشاره کند گفت: «دولت ایران باید به حقوق مردم خود از جمله حق ابراز عقایدشان احترام بگذارد. جهان‌نظام‌گر است.» (تکیه از توفان). البته این عبارت آخری با زبان تهدید بیان شده است.

پیش از توثیق ترامپ در حمایت از تجمع اعتراضی در ایران، پال رایان، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا نیز بامداد شنبه از تجمع اعتراضی در برخی شهرهای ایران حمایت کرد و در توییتش علیه ایران نوشت: «مهم است که ما از معترضان غیرخشن در ایران حمایت کنیم. این، نتیجه اقدامات رژیمی است که تمرکزش بیشتر معطوف حمایت از سازمان‌های تروریستی بوده تا گرفتاری‌های شهروندان خودش». وزارت خارجه آمریکا نیز در بیانیه‌ای شدیدالحن با تکرار مجدد ادعاهای چند ماه پیش دونالد ترامپ علیه ایران، مدعی شده صادرات اصلی ایران، «خشونت، خونریزی و هرج و مرج است.» (تکیه از توفان).

نشریه تایمز اسرائیل در ۳۰ دسامبر ۲۰۱۷ نوشت: «خانم «ناوئرت» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در سخنان خویش از قول وزیر امور خارجه آمریکا اظهار کرد: «رکس تیلرسون روز ۱۴ ژوئن ۲۰۱۷ در کنگره شهادت داد که او از «آن عناصری در ایران که انتقال مسالمت‌آمیز حکومت را می‌خواهند»، حمایت می‌کند و گفت «همانطور که ما می‌دانیم، قطعاً، آن عناصر آنجا هستند.» وزیر (خارجه) امروز حمایت عمیق خود از مردم ایران را تکرار کرد». روشن است که امپریالیسم آمریکا عناصر نفوذی خویش را به ایران فرستاده است تا برای ملت ایران «دل بسوزانند». یکی از سلول‌های جاسوسی آنها کسانی هستند که در نمایشات اعتراضی برحق مردم که برای نان و بر ضد فقر و

که در سوریه سیاست درست را در پیش-گیرد...
اکنون شورش در سوریه بیش از یک سال طول کشیده است. نه اپوزیسیون ناپدید می-شود و نه رژیم یک راه حل دیپلماتیک از خارج را می‌پذیرد. دیکتاتور سوریه بشار اسد موضع خود را فقط تحت فشار یا توسل به قهر تغییر می‌دهد اگر حس کند که جان خود و خانواده‌اش در خطر است.» (نقل از کتاب میثائیل لودرز کسانیکه توفان درو می‌کنند- به نقل از ایمیل‌های منتشر شده خانم کلینتون/ ص ۷۸ تا ۸۸ و ۱۷۳).

ژنرال وسلی کلارک که از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ فرمانده کل ناتو در اروپا بود، در اکتبر ۲۰۰۷ به‌مناسبت انتشار و معرفی کتابش (زمان برای رهبری: به‌نام وظیفه، شرافت و وطن) در سانفرانسیسکو گفت: «من به پال در سال ۱۹۹۱ گفتم، پال ولفوویتز در آن زمان قائم مقام وزارت دفاع آمریکا بود، آقای قائم مقام شما باید از موفقیت قوای ما در عملیات توفان صحرا خیلی راضی باشید!». توفان صحرا نام عملیات نظامی رهبری شده توسط آمریکا بود که در آزادی کویت از چنگ اشغال عراق در ژانویه و فوریه ۱۹۹۱ نقش تعیین‌کننده ایفا کرد

رهبری شده توسط آمریکا در آزادی کویت از چنگ اشغال عراق در ژانویه و فوریه ۱۹۹۱ به وقوع پیوست. در اوت ۱۹۹۰ صدام حسین کویت را تسخیر و منضم به خود کرد. «پال موکدانه گفت: <خیر، راستش را بگویم خیر. ما باید ادامه می‌دادیم تا از دست صدام راحت شویم... اما یک امر را آموختیم.> «ما فهمیدیم که می‌توانیم ارتش خود را در خاورمیانه به‌کار بگیریم بدون اینکه شوری‌ها جلوی ما را بگیرند. من فکر می‌کنم که ما هنوز پنج تا ده سال وقت داریم تا ترتیب رژیم‌های هودار شوروی را بدهیم- سوریه، ایران، عراق. تا آن موقع که ابرقدرتی پیدا شود و مرزهای مارا نشان دهد.»

من نسبتاً دچار شوک شدم. مفهوم و هدف قدرت نظامی ما تا به امروز بر این اساس بود که به جنگ دست بزنیم و رژیم‌ها را سرنگون کنیم. به جای آنکه اختلافات را حل کنیم، هدف این بود که به کشورها نیرو پیاده کنیم. آنجا بود که من در کمال تعجب به این مسئله که ایالات متحده آمریکا به دست کسانی با یک دستور کار جدید افتاده است پی‌بردم: گروه نئوکان ها. آنها می-خواستند که ما منطقه خاورمیانه را متزلزل کنیم، زیر و رو گردانیم تا به این وسیله سلطه خویش را ممکن کنیم... این عده نمی-توانند منتظر بمانند تا مسئله عراق تا آنجا که ممکن است به‌زودی تمام شود تا بتوانند سرانجام سوریه را نشان بگیرند.» (همان کتاب صفحات ۷۳، ۷۴ و ۱۷۳).

مطالعه این اسناد نشان می‌دهند که هدف از سیاست‌های نئوکانها در منطقه خاورمیانه ایجاد بلبشو، اغتشاش، تزلزل است تا به این وسیله شرایط سلطه خویش بر منطقه را مهیا سازند. در مملکتی که «صاحب» نداشته باشد می‌شود هر تکه آترا به نام نامی حقوق بشر و...
ادامه در صفحه ۴

گرسنگی بپاخاسته‌اند با شکمهای فریه و پر و گردن‌های کلفت ظاهر شوند و شعار زیرین را تکرار کنند: «سفارت روسیه لانه جاسوسیه». هر کس حتی با عقل ناقص هم می‌فهمد که طرح مسئله روسیه به رفع بیکاری، فقر، بینوایی در ایران ربطی نداشته و در نمایشات اعتراضی مردم محلی از اعراب ندارد. این شبکه‌های جاسوسی کسانی هستند که می‌خواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و جنبش مردم ما را در خدمت امیال شوم امپریالیسم آمریکا به کژراه بکشانند. برای آنها مهم نیست که میلیون‌ها ایرانی در اثر فقر و بیکاری و فلاکت نابود شوند، مهم آنست که جای پای ورود امپریالیسم به ایران را بهتر بکشایند. در این زمینه نتانیاهو نیز نطق تحریک آمیزی در «دفاع» از ملت ایران که تا دیروز به آنها دشنام می‌داد، انجام داد که در شبکه‌های مجازی توسط سازمان جاسوسی مجاهدین خلق و سلطنت طلبان بی‌آبرو و سایر عمال دست‌آموز آنها پخش شد.

خانم هیلاری کلینتون وزیر خارجه سابق آمریکا در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۲ در ایمیل مخفیانه خویش که بعداً توسط ویکی‌لیکز منتشر شده نوشت: «بهترین راه برای یاری به اسرائیل، تا بتواند با امکانات فزاینده هسته‌ای ایران مقابله کند، این است که به مردم سوریه کمک کرد تا رژیم بشار اسد را سرنگون کنند... وجود این مناسبات راهبردی میان ایران و رژیم بشار اسد است که این امکان را برای ایران فراهم می‌کند تا امنیت اسرائیل را نه توسط یک تجاوز مستقیم به کشوری که در طی ۳۰ سال دشمنی میان ایران و اسرائیل وجود نداشته است، بلکه توسط حزب‌الله معاون‌اش در لبنان که از طرف ایران، از طریق سوریه مورد حمایت بوده، مسلح شده و آموزش می‌بیند، به‌خطر اندازد. پایان رژیم اسد، به این اتحاد خطرناک خاتمه می‌دهد. در این فاصله رهبری اسرائیل هم به‌خوبی می‌فهمد که چرا شکست اسد منافع آنها را تامین می‌کند. در هفته گذشته وزیر دفاع اهود باراک در مصاحبه با برنامه خانم امانپور در سی ان ان چنین استدلال کرد که سرنگونی اسد ضربه سختی برای محور افراطی و ضربه شدیدی برای ایران می‌باشد... سوریه تنها پاسگاه خارجی نفوذ ایران در دنیای عرب است... این امر هم حزب‌الله در لبنان و همچنین حماس و جهاد اسلامی در نوار غزه را به صورت تعیین‌کننده تضعیف می‌کند.

نابودی اسد نه تنها یک رستگاری بی‌اندازه برای امنیت اسرائیل محسوب می‌شود، بلکه هراسهای قابل فهم اسرائیل مبنی بر انحصار هسته‌ایش را نیز کاهش می‌دهد. در گام بعدی می‌توانند ایالات متحده آمریکا و اسرائیل مشترکاً بر سر این توافق کنند از کدام لحظه در غنی‌سازی هسته‌ای در ایران، آن درجه خطرناک تامین شده است که لزوم یک دخالت نظامی را توجیه کند... کوتاه بگویم کاخ سفید می‌تواند تنش‌هایی را که در روابط با اسرائیل به علت ایران بوجود آمده است از بین ببرد به این وسیله

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

نه غزه، نه سوریه، نه لبنان...
آزادی جنسیت و رفع حجاب تسخیر کرد و صاحب آنجا شد. تسخیر مناطق نفتخیز ایران توسط قوای بیگانه، تیر خلاصی است که به ایران زده می‌شود. در مملکت "بی-صاحب" می‌توان ده‌ها شیخ خزعل علم کرد که ادعای مالکیت بخشهای حاصلخیز ایران را داشته باشد و آنوقت غارت این بخشها برای امپریالیسم و صهیونیسم راحت بوده و سرکوب بخشهای متفرق که نمی‌توانند نیرویی باشند و یا بشوند تسهیل می‌شود. سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن با شعار "ما آریائی هستیم عرب نمی‌پرستیم" توسط مشت اوباش سلطنت طلب و یا نژادپرست اسرائیلی کامل می‌شود.

این سیاست که در عراق، لیبی، غزه، سوریه به کار برده‌اند برای امنیت اسرائیل کشور مصنوعی‌ای هست که در منطقه تاسیس کرده‌اند. این کشور یک میکروب خطرناک در بافت خاورمیانه است. برای امنیت اسرائیل که توسط سرمایه مالی جهانی حمایت می‌شود نابودی و قتل عام میلیونها مردم عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و ایران چه اهمیتی دارد.

برای ارزیابی از هر تحولی در منطقه باید آن پدیده را در متن سیاستهای امپریالیستی و تحولات راهبردی در منطقه قرار داد. این رویدادها مجزا از هم نیستند، اجزاء یک سیاست راهبردی واحد در منطقه برای تسلط بر این بخش از جهان می‌باشند. تسلط بر ایران تسلط بر گاز و نفت و مس جهان است. و این سه کالا ارزش راهبردی در جهان دارد. نقض حقوق بشر و یا سرکوب مطالبات مردم توسط رژیمهای مستبد در این کشورها برای کسانی که خود میلیونها نفر می‌کشند تا به مقاصد خود دست پیدا کنند تنها ابزار تسلط و تحمیق عمومی است. امروز در ایران مارگیران راه افتاده- اند تا با جعبه‌های مارگیری بر جنبش به حق مردم که از نبودن سازمانهای قدرتمند سیاسی دموکراتیک رنج می‌برند سوار شوند. این وضعیت نیز مولود سرکوب رژیم آخوندی است که دودش به چشم خود آنها هم می‌رود.

ضد انقلاب در ضد انقلاب...

باندبازی به حدی می‌رسد که امروز در ایران رسیده است، مسابقه برای غارت و تهیه امکانات فرار سهلتر است وگرنه چگونه ممکن است کسی قصد داشته باشد در این مملکت زندگی کند و در غم و شادی همین مردم دخیل باشد، آنوقت کاشانه خویش را تا به این حد ویران کند. این خرابکاران در فکر آبادانی ایران نیستند در پی آن هستند که کشور را ویران کنند. هدف آنها حفظ موقعیت خود به هر قیمت است. امروز کانادا به مرکز غارتگران ایران از زمان رفسنجانی گرفته تا به امروز بدل شده است. همه آقازاده‌های دزد و خانواده‌های آنها اموالشان را با پارتی‌بازی و اعمال نفوذ در حکومت اسلامی، به کانادا منتقل کرده‌اند و رژیم حاکم در ایران نیز این را

می‌داند و تلاشی نمی‌کند تا این دزدان بیت‌المال را تحویل بگیرد، از فرارشان ممانعت کند و یا آنها را مجازات نماید. کانادا بهشت دزدان اسلامی ایران شده است. در این دزدی‌ها، همه آنها سهم دارند و شرکاء را تحت تعقیب قرار نمی‌دهند زیرا این دزدان پرونده‌های این افراد و همدستان سابق خود را رو می‌کنند و آبرویشان را می‌برند. به این جهت چاقو دسته خود را نمی‌برد.

عدم پرداخت حقوق مردم، افزایش بی‌رویه قیمت کالاها، **تسلیم شدن** به سیاستهای **بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول** تا مردم ایران را به روز سیاه بنشانند، با این هدف که سرمایه‌گذاریهایی خارجی در ایران عملی شود و به آنها سود بهتری دهد، همه و همه اجرای سیاستهای نئولیبرالی است که از زمان رفسنجانی شروع شده و با تفسیر و تغییر غیرقانونی قانون اساسی با حکم علی خامنه‌ای تحکیم یافته، و با شگردهای احمدی نژاد به از بین بردن یارانه‌ها و افزایش قیمت سوخت و... انجامیده است.

فساد و رشوه خواری از سراپای نظام می-بارد و کسی توسط دزدانهایی که در راس امور قرار دارند مورد مواخذه قرار نمی-گیرد، زیرا همه آنها از خانواده غارتگر واحدند. قوه قضائیه مورد استهزاء عمومی و برادران لاریجانی انگلیسی و شرکاء، بر بسیاری از ارکان مملکتی دست انداخته و به انحصار خود درآورده اند. مردم ایران آخوندها از خودشان نمی‌دانند اینستکه در نمایشات اعتراضی گفتند: "آخوند انگلیسی... نمی‌خوایم نمی‌خوایم". آخوندها ایران را نه وطن خود، بلکه مایملک شخصی خود می‌پندارند. آخوند لاریجانی وزیر قوه قضائیه متولد نجف که در هیچ فعالیت ضد رژیم در دوران محمد رضا شاه و حتی در دوران انقلاب شرکت نداشته است، ماهانه ۲۰ میلیارد تومان از حساب بانکی قوه قضائیه که آنرا به‌نام خود باز کرده است، بهره می‌گیرد. از بدو روی کار آمدن ایشان تا به امروز بر این مبنای محاسبه، تقریباً بیش از ۱۶۸۰ میلیارد تومان به جیب مبارک زده‌اند. یعنی رقمی با نه صفر در مقابل آن، قوه قضائیه کشور را سرکپس کرده‌اند. ایران سفره پر نعمت پهنی است که آخوندها بدور آن نشسته غارت می‌کنند و مردم ایران نظارمگر آندند.

دروغ و ریاکاری را به فرهنگ عمومی بدل کرده‌اند و فحشاء در اثر فقر به نسل دوم رسیده است. این حکومت فاسد قادر نیست به مطالبات مردم حتی مطالبات اقتصادی آنها پاسخ دهد. آنها بقدری آدمهای بیکاره نانخور دارند که به مفتخوری عادت کرده و برای حفظ این مزایا از این نظام، بدون اعتقاد به آن، حمایت می‌کنند. بی-جهت نیست که مردم فریاد می‌زنند: "آخوند بی‌خاصیت ... مایه ننگ ملت". رژیم در بن‌بست خود نمی‌تواند نان آنها را قطع کند، زیرا در مقابل خلق خلق سلاح می‌شود و امکان دفاع از خویش را نیز از دست می-دهد. مسئولیت تمام بلایایی که بر سر مردم در می‌آید، به گردن **یک رژیم سرمایه‌داری مافیائی است** که با ایجاد **لیگارش‌های**

خانوادگی آخوندی، قلمروهای خویش را درست کرده و کشور را به مذلت کشیده‌اند. این است که هر جنبشی که بر ضد این دستگاه متعفن برخیزد، حتی اگر شورش کور باشد، با این خواستهای منطقی، عادلانه و قابل فهم است.

خطری که در این میان ایران را تهدید می-کند فقط جمهوری اسلامی نیست. این رژیم به علت سیاست سرکوب بیرحمانه در ۳۹ سال گذشته همه سازمانهای سیاسی ایران را سرکوب نموده و تنها به خودیها امکان فعالیت داده است تا با مانورهای خویش تحت عنوان اصلاح طلبی مردم را فریب دهند. این حنا دیگر رنگی ندارد. مردم این درک روشن خویش را در شعار "اصلاح طلب اصولگرا ... دیگه تموم ماجرا" از ته دل بیان داشتند. در جنبشهای ده ساله‌های گذشته طغیان مردم همواره با یک بدیل عوامفریبانه "اصلاح طلبی" رو به رو بود.

این بدیل اصلاح طلبی در لباس خاتمی، میرحسین موسوی و یا روحانی آن ترمزی بود که در دست آنها برای هدایت و فریب

مردم قرار داشت. رژیم توانست در عرض این چند دهه مردم را با این مانور اصلاح-طلبی مهار کند. روحانی آخرین مهره رژیم در این دایره فریب عمومی است و سیاستش به عنوان کلیددار با فقر و فلاکت عمومی به شکست کامل انجامیده است. نه مسئله تسلیم شدن در مقابل آمریکا در مسئله برجام گره‌ای از کار حکومت گشود و نه توانسته است بر ضد دزدی و اختلاس و ورشکستگی بانکها که محصول سیاستهای گانگستری خود آنهاست کاری از پیش ببرد. همه این بانکهای خصوصی با مالکیت گروهی ورشکسته که پول مردم را بالا کشیدند با مجوز همین آقایان و بانک مرکزی و ملی حق بانکداری داشتند. حضور مردم در خیابان با شعارهای مرگ بر روحانی بیشتر مرگ بر روحانیت است و حاکی از آن است که بدیل اصلاح طلبی به پایان رسیده است و رسالتی برای نجات رژیم در آینده و در انتخابات آینده ندارد. ولی همین بدیل کاذب مانع از آن بود که در دست به دست شدن مهره‌های حاکمیت و تغییر مسئولیتها، شیرازه امور کشور از هم بپاشد. حاکمیت در دست بالائینها باقی می-ماند.

با ورشکستگی سیاست اصلاح‌طلبانه و رشد نارضائی مردم و شورش به حق آنها، وضعیت خطیری پیش آمده است. خلائی که اکنون در ایران ایجاد شده می‌تواند به راحتی به علت فقدان یک بدیل انقلابی به چاه ویل ضد انقلاب دیگری سقوط کند.

در ایران نیروهائی هستند ضد انقلابی. آنها خواستار ایرانی آزاد، دموکراتیک، ضد امپریالیستی، مستقل، ضد صهیونیستی و انقلابی در منطقه نیستند، آنها برای آینده ایران مبارزه نمی‌کنند آنها برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نه سرنگونی رژیم **سرمایه‌داری** جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند. لذا بی‌دروما هستند و برای آنها آینده ایران مهم نیست.

این ضد انقلاب ... ادامه در صفحه ۵

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

ضد انقلاب در ضد انقلاب...

که پرچم مبارزه ضد جمهوری اسلامی را برافراشته و از سرنگونی آن دفاع می‌کند، در ماهیت این سرنگونی، به خاطر مقاصد شومی که داراست، تحریف به عمل می‌آورد. هدف آنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نه جمهوری **سرمایه‌داری** اسلامی که بدیل سوسیالیستی دارد، می‌باشد. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پایان کار نخواهد بود تازه آغاز کار است. خواست سرنگونی نباید منجر به بسته شدن دورنما و بحثها شود که آنوقت کور بوده به اغتشاش درونی بدل می‌شود. هدف از سرنگونی رژیم کنونی ایجاد جامعه‌ای در ایران است که حداقل منافع عموم خلق را برآورده نموده، آزادی احزاب را تضمین کرده، دین را از دولت جدا نموده، حقوق انسانها را به رسمیت بشناسد، تساوی حقوق اجتماعی زن و مرد را بپذیرد و در جهت تحقق اقدام کند، انچنان برنامه ریزی اقتصادی نماید که تمام آثار شوم سیاستهای نئولیبرالی دولتهای گذشته را از بین ببرد. آزادیهای دموکراتیک را به رسمیت بشناسد. احزاب و سندیکاها و سازمانها و نهادی غیردولتی، حرفه‌ای و صنفی آزاد باشند و با

همسایگان ایران روابط دوستانه داشته باشد که محصول هزاران سال همجواری تاریخی است. رژیم می‌کند که در ایران حاکم می‌شود باید فناوری هسته‌ای را کامل و از تهدید هیچ گانگستر جهانی نهراسد، باید فناوری موشکی ایران را تکامل دهد تا ایران کشوری مستقل و سرافراز باشد و به این جهت باید در سیاست خارجی برضد امپریالیسم جهانی به ویژه **امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل** که دشمنان سوگند خورده مردم ایران و خلقهای جهان وبه ویژه خلقهای منطقه هستند، مبارزه کند. هر سرنگونی باید مضمونی داشت باشد که برای تحقق آن مضمون مبارزه شده است و باید بشود. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را تا حد یک اقدام کودتایی و فیزیکی محدود کردن، سیاستی ارتجاعی و عوامفریبانه است. اینکه دشمنان مردم ایران کار آینده انقلاب ایران را فقط محدود به رفتن آخوندها می‌کنند و فراتر نمی‌روند، با این نقشه صورت می‌گیرد که وحدت میان همه نیروهای ضد انقلاب را فراهم آورند. زیرا مرز روشن میان نیروهای انقلابی و ضد انقلابی رفتن آخوندها نیست، برنامه سیاسی و اقتصادی است که بعد از رفتن آخوندها باید در ایران پیاده شود. طبیعتاً آخوندها سد نخست در راه تحقق این برنامه هستند، ولی به چه درد می‌خورد اگر آخوندها بروند و به فرض محال رضا پهلوی فراری میراث‌خوار رضاخان قلدر و محمد رضا شاه منفور پای اسرائیل و آمریکا را به ایران باز کرده و منابع ایران را با دست آنها برباد داده و سیاستهای نئولیبرالی را با فشار و تحکم بیشتری اجراء کند. سرنگونی این رژیم به چه درد می‌خورد اگر مجاهدین جاسوس بر سر کار آیند که

از هم اکنون حتی نوکری عربستان سعودی را پذیرفته و سر در آخور امپریالیسم و صهیونیسم جهانی دارند و بر ضد مصالح ایران برای موساد و سیا جاسوسی می‌کنند. سرنگونی این رژیم به چه درد می‌خورد اگر قرار باشد ناسیونالیستهای گرد همدست اسرائیل به تجزیه ایران دست زده و یک **پایگاه جدید ضد انقلابی برای تخریب و اغتشاش** در منطقه ایجاد کنند، ناسیونال شونیستهایی که از هم اکنون سرشان در آخور اسرائیل و آمریکاست و با عربستان سعودی نیز زد و بند دارند و در سلیمانیه به تجهیز نظامی، تعلیماتی و آموزشی کردهای جوان و حتی کردهای که در خارج زندگی می‌کنند کمر بسته‌اند. این عده حتی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را



تا آخر نیز نمی‌خواهند، تجربه نشان داده که فقط می‌خواهند گلیم خودشان را از آب بیرون بکشند و برای مردم ایران تره هم خورد نمی‌کنند. سرانجام تئوریسینهای حزبک کمونیست کارگری صهیونیستی حضور پیدا می‌کنند که با اشاره امپریالیسم هم به نفی پدیده امپریالیسم می‌پردازند و هم به نفی پدیده صهیونیسم. ارزیابی این دستپورندگان امپریالیسم و مریدان هانتینگتون از جهان همان ارزیابی جرج بوش و ترامپ است. جهان آنها جهانی است که جنگ میان آمریکا و اسلام سیاسی در گرفته است و این تضاد است که ماهیت تحولات جهان را تعیین می‌کند و در این جنگ پیروزی آمریکا پیروزی **مدرنیسم بر کهنه‌پرستی** است. همه این نیروها و جبهه ضد انقلاب هواداران سرنگونی جمهوری اسلامی، مضمون انقلابی که باید این سرنگونی داشته باشد را از شکل آن جدا کرده و تنها به شکل می‌چسبند. شما در برخورد به این حرکت‌های ضد انقلابی متوجه می‌شوید که با دقت و مودبانه از زیر بار مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم فرار می‌کنند و در مقابل اعتراض شما مدعی‌اند که در مرحله نخست، سرنگونی رژیم مطرح است و طرح مضمون انقلاب در شرایط کنونی انحرافی است و به مبارزه ضد رژیم صدمه می‌زند، توگویی این عده در مبارزه خود هرگز ایده‌آلی ندارند و حرکت آنها فقط به خاطر خود نفس حرکت است.

این تاکتیک ضد انقلاب طبیعتاً تئوری توجیه "انقلابی" همدستی با امپریالیسم و صهیونیسم است. این تاکتیک نتایج وخیم عملی به همراه دارد، به این مفهوم که هر کس با این شرط نخست موافق باشد، طبیعتاً متحد آنها در مبارزه بر ضد رژیم جمهوری

اسلامی محسوب می‌شود. در این جبهه سازمان مجاهدین خلق، سلطنت‌طلبان پهلویست، رهبران خودفروخته کردها و سایر اقوام ناسیونال شونیست تجزیه‌طلب و حزبک کمونیست کارگری در تمام ابعاد کوچک و بزرگ با لباس و بی لباس خود و امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم اسرائیل، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اردن هاشمی، مصر و پاره‌ای ممالک دیگر شرکت دارند. برای آنها آزادی ایران و مردمانش مطرح نیست برای آنها نیل به خواستهای راهبردی‌شان در منطقه مطرح است. آنها برای اینکه اخلاقی در پرداخت کمکهای امپریالیسم و صهیونیسم به آنها پدید نیاید، با مودیگری می‌کوشند از استعمال این واژه‌ها طفره روند. باید این جبهه ضد انقلابی انقلاب زرد

را(رنگی است که برای مجاهدین انتخاب کرده‌اند-توفان) در ایران افشاء کرد. آنها همین نقش مذموم را در خیزش اخیر مردم ایفاء کردند. آنها مانع می‌شوند که با شعارهای اسرائیلی و انحرافی و ضد انقلابی، با شعارهای سلطنت طلبی در جنبش مبارزه شود و خودشان نیز به گسترش این شعارهای ضد انقلابی نظیر "نه غزه، نه سوریه، نه لبنان حمله کنید به ایران" و یا "روسیه لانه جاسوسیه"، "سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن"، دامن می‌زنند. خطری که ایران را تهدید می‌کند آنهم در شرایط فقدان یک سازمان قدرتمند سیاسی انقلابی که مورد اعتماد عمومی باشد تا مبارزات آنها را رهبری کند، پدید آمدن یک خلاء سیاسی ناروشن، آشفتگی و اغتشاش مهلک است که فقط به درد **مستعمره شدن ایران** غیرقابل دفاع می‌خورد. به نظر حزب ما جنبش مردم ایران باید برای تحقق همه خواستهای معیشتی و مطالبات صنفی و سیاسی خود، برای تحقق هر چه بیشتر خواستهای دموکراتیک، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی احزاب و... متشکل شود، و در شرایط فعلی با امتناع از اقدامات آنارشیزستی برای کسب حداکثر حقوق و بسیج مردم مبارزه کند. در شرایطی که امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع منطقه به گسیل تروریست و تک تیرانداز و تکرار رویدادهای سوریه در ایران علاقمند هستند و در این جهت تلاش می‌کنند تنها هشیاری سیاسی و مبارزه با خرابکاری و هرج و مرج زمینه را برای تحقق خواستهای مردم فراهم می‌سازد. در شرایط کنونی ضربه سختی به حاکمیت اسلامی وارد شده است. کوخ نشینان به خیابانها آمده‌اند و طلب نان می‌کنند و این امری نیست که از امروز به فردا خاتمه بیابد. رژیم حتی برای حفظ خود نیز شده ناچار است برای مردم در بعد از خیزش آنها تسهیلاتی فراهم آورد و برای بهبود شرایط زندگی آنها و کاهش دزدی‌ها، اقدامات هر چند ناچیزی بنماید تا بتواند ناراضی‌های فزاینده را **مهار** کند. این بهترین فرصت است که شعارها و خواستهای دموکراتیکی... ادامه در صفحه ۶

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

شخصیت محبوب ملی که بتواند جنبش را به مسیر صحیح و نه به ناکجا آباد رهبری کند، مانع از آن بود که مردم بدون داشتن افق روشن به میدان آیند.

در ایران حدود ۳۹ سال است که انقلاب شده است. این نظام دزد، فاسد و خرابکار بقدری نابسامانی ایجاد کرده است که حدی بر آن متصور نیست. بیکاری نه تنها برطرف نشده بلکه به بی نوائی منجر شده. بسیاری از زنان به تن فروشی مشغولند تا سدجوع کنند. آقازاده‌ها و نازپرورده‌ها با ماشینهای چند میلیارد تومانی خویش در خیابانها جولان می‌دهند و به مردم فقیر فخر می‌فروشند. نورچشمی‌ها بر کرسی‌های نشسته‌اند که لایق آن نیستند و در عوض اکثریت جوانان واجد شرایط، بیکارند و در خیابانها پرسه می‌زنند و یا با روحیه شرم و وجدان ناراحت در خانه پدري هستند. طبق برآوردهای صندوق جهانی پول، دولت باید در این مدت، یعنی بعد از زمان رفسنجانی که **گوش به فرمان بانک جهانی بود**، چندین میلیون شغل ایجاد می‌کرد، اما تنها در این مدت کمتر از یک درصد تخمین بانک جهانی شغل ایجاد شده است. سالانه یک میلیون نفر به افراد نیازمند شغل در کشور افزوده می‌شود. حدود ۴۰ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کشور بیکار هستند و میلیون‌ها ایرانی در سن اشتغال هستند، اما شغلی ندارند. روشن است درآمدی که باید برای ایجاد اشتغال سرمایه‌گذاری شود با اختلاس و دزدی به خارج از کشور، به آمریکا، کانادا، سوئیس، آلمان و فرانسه برده می‌شود. مردم ناظرند که از این امامزاده معجزه‌ای بر نمی‌خیزد این است که با نفرت از این قوم صحبت می‌کنند و فریاد می‌زنند: «آخوندا حیا کنید، مملکتو رها کنید». ولی آخوند مظهر می‌شرمی و مفتخوری و زالو صفتی است و هرگز قصد ترک مملکت را ندارد. آخوند را باید نابود کرد و رژیمش را طرد نمود.

وقتی مردم با شعار "رضا شاه، روح شاد" به میدان می‌آیند الزاماً دفاع از رضا شاه نیست دفاع از کشتار آخوندها در مسجد گوهرشاد است. آنها این کار رضا شاه جاسوس انگلیس و عاقد تجدید قرارداد استعماری داری را تظهير می‌کنند. البته سلطنت‌طلبان خودفروش و فراری و نوکر صفت از این شعار مسرورند و تصور می‌کنند که منظور مردم استقرار رژیم فاسدی در ایران است که در اعماق مزبله تاریخ افتاده است. وقتی پول بازنشستگان را می‌زدند و بالا می‌کشند و کسی رسیدگی نمی‌کند، جای شگفتی نیست که ضد انقلاب سوء استفاده کند و مردم با شعار "ما انقلاب کردیم، چه اشتباهی کردیم" به میدان آیند. آنها انسانهایی که در انقلاب با این سنین بالا شرکت فعال داشتند و شاه دزد و فاسد نوکر اجنبی را از ایران بیرون نمودند. این شعار باید موجب شرمساری آخوندها شود که

...ادامه در صفحه ۷

در کشوری است که سطح دانش عمومی بسیار بالاست. مردم این بار نه با شعارهای دینی نظیر "الله اکبر" و یا با شعارهای اصلاح‌طلبانه نظیر "یا حسین، میرحسین"، بلکه با خواست روشن "مرگ بر دیکتاتور" به خیابانها آمده و



راس حکومت یعنی ولایت فقیه را هدف قرار دادند. وقتی مردم گفتند: "ملت گدایی می‌کنه، آقا خدایی می‌کنه" تمام خواسته‌های خویش مبنی بر شکست انقلاب بهمن، بیکاری، فقر، فلاکت، بی‌نوائی، فحشاء، رشوه‌خواری، دزدی، راهزنی، فساد، ارتشاء، اختلاس، شکاف طبقاتی را در یک عبارت کوتاه پروراندند و مسئول تمام این نابسامانی‌ها و آشفتگی‌ها را نیر نشان دادند. بر خلاف سال ۱۳۸۸ که مبارزه دموکراتیک مردم با ترکیب طبقاتی طبقات متوسط در تهران تمرکز داشت و میلیونها نفر را به خیابان آورد، این بار ائتشار پائین دست اجتماعی بودند که از گرانی و ارتشاء صدمه بیشتری خورده و به اعتراض دست زدند. آنها نتایج شوم سیاستهای اقتصادی نئولیبرالی استعماری را با از بین بردن پارانه‌ها و گرانی مایحتاج زندگی بر روی گوشت و پوست خود حس می‌کردند. آنها می‌دیدند که برای دزدی و اختلاس پول هست ولی برای برطرف کردن ابتدائی‌ترین نیازهای مردم کیسه دولت خالی است. بی جهت نیست که فریاد می‌زدند: «یک اختلاس اگر کم بشه، مشکل ما حل می‌شه». این شعار آنها نشانه آگاهی آنهاست زیرا پاسخی به شعار ارتجاعی و آمریکائی-اسرائیلی "سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن" می‌باشد. مردم با این شعار حتی راه غلبه بر مشکلات را نشان می‌دهند. شعار آنها فعال و نشانه حمایت از هر اقدامی است که بخواد به دزدی و اختلاس پایان دهد. متأسفانه اکثریت مردم ایران سکوت کردند و نظاره‌گر باقی ماندند، علیرغم اینکه از ته دل با معترضان بودند. وضعیت ضد بشری که آمریکائی‌ها در سوریه، عراق... برقرار کرده‌اند، فقدان رهبری انقلابی و وجود

ضد انقلاب در ضد انقلاب...

طرح شود که علی‌الاصول در چارچوب یک حکومت بورژوائی سرمایه داری نیز قابل وصول است. تحقق این خواستها زمینه را برای خیزش متشکل و با برنامه آتی که خطر آشفتگی و پاشیدن شیرازه کشور را نداشته باشد هموار می‌کند. خواست آزادی احزاب و اتحادیه‌های کارگری باید به یک شعار مرکزی بدل شوند، زیرا آینده ایران برای فرار از این گرداب خطرناک در گرو فعالیت احزاب سیاسی قرار دارد. این نخستین درسی است که باید از وضعیت کنونی گرفت. مسلماً ضربه‌ای که رژیم از این شورش خورده است آنها را مجبور به عقب نشینی‌هایی خواهد کرد. از این موقعیت تنها می‌شود به صورت مسالمت آمیز و بدون توسل به تخریب به عنوان مناسبترین تاکتیک در شرایط کنونی، با بسیج مردم بر گرد این **خواستهای معیشتی، دموکراتیک و انسانی و سیاسی** استفاده کرد. سیاست عدم اصلاحات و توجه به خواستهای مردم ملت نجیب ایران را که تا کنون این همه سختی را از ترس پاشیدگی کشورشان تحمل کرده‌اند به سوی مبارزه شدیدتر سوق خواهد داد. زمینه برای قهرمسلحانه فراهم می‌شود و آنوقت است که رژیم راه فراری نخواهد داشت. وضعیت کنونی نشانه رشد و ارتقاء مبارزه در ایران، سیاسی‌تر شدن مردم، حضور زحمتکشان و ائتشار تحتانی جامعه در صحنه، نهراسیدن از مرگ، و تبدیل شعارهای مذهبی به شعارهای سیاسی است. جنبش رادیکال می‌شود. آنها در ائتشار رژیم از شعارهای مذهبی استفاده کردند نظیر: "حسین حسین شعارشون...جنایت افتخارشون".

نیروی‌های انقلابی در درون ایران باید در مبارزه خویش این عدم وجود یک سازمان سراسری رهبری کننده و انقلابی را مد نظر قرار دهند، باید به رژیم فشار آورند تا عقب‌نشینی کند، باید توجه داشته باشند که از نفوذ عمال بیگانه در جنبش که می‌خواهند **ایران را سوریه کنند** جلوگیری و این اقدام بجز طرح خواست مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم در جنبش که نتیجه آن دفاع از مبارزات همه خلقهای منطقه علیه امپریالیسم و صهیونیسم است نمی‌باشد.

حق گرفتنی است...

داد باید دست و سرش را نیز بدهد. حکومت ایران لیاقت نداشت از کره شمالی بیاموزد که از حق حاکمیت ملی خویش سرسختانه علیرغم همه هجوم تبلیغاتی دروغین دفاع می‌کند. اینکه مردم با شعار مرگ بر روحانی اصلاح‌طلب به میدان آمدند، ابراز نفرت از این دو روئی حاکمیت بود که با دروغ و صحنه سازی و تعزیه خوانی قصد دارد مردم را مرتب بفریبد. این روش دروغگوئی و اشاعه خرافات توهین مستقیم به شعور عمومی

مبارزه با فساد و رشوه‌خواری تنها به دست یک حکومت مردمی عملی است

حق گرفتاری است...

ببیند چگونه مردمی در اصفهان - با آنچنان تمایلات عمیق مذهبی - از انقلابی که خودشان کرده‌اند روی برگردانده‌اند. آنهم در اثر سوء استفاده آخوندها، این دروغ‌گویانی که "همه آنها دشمن خدا هستند" و به مال و ناموس و شرافت مردم تجاوز می‌کنند و نادانی و نفهمی خویش را با انکار واقعیتها، به مردم نسبت می‌دهند. ولی مردم آن را می‌فهمند و این توهمین‌ها را پذیرا نیستند. انقلابی که ما کردیم با این نیت نبود که جای فساد و مفسد عوض شود، انقلاب بهمن از جمله برای تحقق همان خواسته‌هایی بود که امروز مردم مجدداً برای تحققش به میدان آمده‌اند. انقلاب بهمن را باید ادامه داد تا انقلاب اکبر شود.

مردم با شرم خود فهمیده‌اند که شعار "استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی" در مضمون خود خط‌طلانی بر وابستگی به امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم اسرائیل است. این شعار علیرغم نادقیقی خط روشنی با ضد انقلاب می‌کشد، آنها ایرانی آزاد و دموکراتیک می‌خواهند که نسیم آزادیش در اقصی نقاط ایران بدمد و تعفن خفقان سیاه قرون گذشته را از ایران بتاراند. مردم ایران خواهان جدائی دین از حکومت هستند و به این جهت طالب یک جمهوری اسلامی نیستند خواهان یک جمهوری ایرانی که همه اقوام ایرانی در آن از حقوق مساوی برخوردار باشند. شعارهای این دوره مبارزات مردم که بدون وجود یک سازمان سراسری و دارای رهبری بود- و این ضعف بزرگ آن و دلیل سرکوب و شکست آن است- تجلی خواسته‌های ناموفق آنها از انقلاب بهمن است. ارتجاع بین‌المللی می‌خواست شرایطی ایجاد کند که این امواج شدید ناراضی در خدمت منافع دشمنان مردم ما قرار گیرد که با شکست مفتضحانه ای روبرو شد. **مردم ایران نه سلطنت می‌خواهند نه مجاهد جاسوس، نه تسلط امپریالیسم و صهیونیسم بر ایران.** آنها خواهان یکپارچگی و آزادی ایران هستند. وقتی مردم کرمانشاه با شعار زندانی

سیاسی آزاد باید گردد، قهرمانانه و بسا سطح بالای درک سیاسی به میدان آمدند، بر وحدت خلقهای ایران تکیه داشتند که بر هر گونه تفرقه ملی در مبارزه مشترک بر ضد رژیم جمهوری اسلامی دست رد می‌زد و بر استقرار یک رژیم مردمی نظارت داشت. شعار ما باید این باشد: طبقه کارگر بدون تشکیلات هیچ است و با تشکیلات و حزیش همه چیز. ****

درد دل مردم...

یک نفر از مملکت خارج بشه، همین پریروز من کربلا بودم دیگه، از انواع فیلرها ردش می‌کنند، خوب. باید هم رد کنند، چطور آقای خاوری فرار می‌کنه؟ کی فرارش می‌ده؟

نفر بعدی: بنزین را برداشتند اینجوری کردند، یک عده بدبخت پیکانی یا پرایدی چیزی داشتند، یک مسافرت میخوان برن، نمی‌تونند. اون سرمایه- داره چی، میگه آخ جون بهتر، این گدا گشنه‌ها تو خیابان نیستند. همین گدا گشنه‌ها بودند که انقلاب کردند. مگر خمینی خودش نگفت ما هر چه داریم از این پابرهنه‌هاست کدام پابرهنه‌ها؟ این حق من نیست مثلاً با این همه تورم حقوقم بشه ۹ هزار تومان. من به شما ۹ هزار تومان می‌دم شما خرج مرا بده.

نفر بعدی وقتی درآمد پائین‌تر از خط فقر است این اتفاقات می‌افته. اگر می‌کن بنزین ۱۲۰۰ تومان میشه یارانه‌های مردم را هم قطع می‌کنند مردم می‌ترسند که مادیاتشان بیاید پائین‌تر و نقدینگی‌شان کمتر میشه حالا چکار کنیم؟ این حالا چکار کنم‌ها باعث اعتراض مردم میشه.

نفر بعدی: وقتی مردم جلوی زن و بچه‌شون خجل بشن دو راه می‌مانه یا خودکشی کنند یا باید داد بزنند.

زالو صفتان بیکاره...

یکی از نکاتی که در لایحه بودجه سال آینده به آن اشاره شده پرداخت مالیات توسط آستان قدس رضوی است.

بر اساس این لایحه، دولت پیشنهاد کرده که شرکت‌ها و موسسات وابسته به آستان قدس رضوی در سال ۱۳۹۷ باید رقمی معادل ۳۰ میلیارد تومان مالیات پرداخت کنند.

معمای مالیات در هزارتوی آستان**قدس رضوی****معافیت مالیاتی جنجالی آستان قدس،****بر چه پایه‌ای استوار است؟**

ابراهیم رئیسی، تولیت آستان قدس رضوی گفته بود: "آستان قدس به دلیل اینکه اموالش وقف یا نذر است، از پرداخت مالیات معاف شده است." (نقل از بی بی سی)

از کمکهای مالی شما سپاسگزاریم

حزب کار ایران (توفان) همواره بر نیروی خود اتکاء کرده و با یاری اعضاء و هوادارانش با فداکاری و ایمان عمیق به درستی راه حزب ادامه بقاء داده است. هر کمک شما هر چند ناچیز باشد به تقویت حزب برای تحقق آمالش یاری می‌رساند.

رفیق عبدالله از گیس ۲۰ یورو

رفیق چنگیز ۱۰۰ یورو

رفیق فریدون ۵۰ یورو

رفیق غلامرضا ۵۰ یورو

رفیق م-ک ۱۲۰ یورو

به توفان در تلگرام خوش آمدید

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۳۸ بهمن ماه ۱۳۹۶ را در تارنمای توفان مطالعه نمایند

توفان الکترونیکی در آغاز هر ماه میلادی منتشر می‌شود

www.toufan.org

نشریات حزب کار ایران (توفان)

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>
<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
 سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک
 توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

زالو صفتان بیکاره که خون ملت را می‌مکند

مرکز خدمات حوزه‌های علمیه

این مرکز به همراه مجموعه دیگری که مسئول رسیدگی به "حق بیمه طلاب و روحانیون غیر شاغل" است، مجموعاً مرکز خدمات حوزه‌های علمیه محسوب می‌شوند. بودجه مصوب این مرکز برای سال جاری (۱۳۹۶) حدود ۸۱۵ میلیارد تومان بود. این مبلغ در لایحه پیشنهادی دولت برای سال آینده به نزدیک ۸۹۷ میلیارد تومان افزایش یافته است.

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی

این شورا از دیگر نهادهای مذهبی در ایران است که زیر مجموعه ندارد. بودجه پیشنهادی دولت برای این سازمان در سال آینده ۴۷ میلیارد و ۷۲۲ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. در حالی که بودجه مصوب سال جاری برای آن ۴۳ میلیارد تومان بوده است.

سازمان تبلیغات اسلامی

این سازمان که بزرگ که در مقایسه با بعضی نهادهای مذهبی بودجه نسبتاً زیادی دریافت می‌کند، دارای زیر مجموعه‌ای متشکل از یازده نهاد است که از نظر سازمانی به آن وابسته هستند که در این زمینه می‌توان به شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه و ستاد اقامه نماز اشاره کرد. موسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، مرکز رسیدگی به امور مساجد، ستاد اقامه نماز، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، موسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز الگوی اسلامی

این یازده نهاد در نهایت تحت عنوان سازمان تبلیغات اسلامی بودجه می‌گیرند. بودجه پیشنهادی دولت برای این سازمان در سال آینده حدود ۴۳۰ میلیارد تومان است.

بودجه مصوب

نام سازمان	بودجه پیشنهادی برای سال ۱۳۹۷
سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	۳۲۶۳ میلیارد ریال
شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی	۴۷۷/۲ میلیارد ریال
کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی	۷۴ میلیارد ریال
موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	۲۸۰ میلیارد ریال
شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه زنان	۲۵۸۲ میلیارد ریال
دانشگاه شهید مطهری	۱۱۷ میلیارد ریال
موسسه نشر آثار آیت‌الله خمینی	۵۵۰ میلیارد ریال

جامعه المصطفی

که نام عربی آن جامعه المصطفی العالمیه است یکی از سازمان‌های مهم ایران برای تدریس علوم اسلامی و ترویج اسلام است که مرکز آن در شهر قم است ولی در کشورهای دیگر هم شعبه دارد. بنابر اعلام این سازمان، "تا کنون بیش از ۵۰ هزار دانش پژوه از ۱۲۲ ملت" را تحت پوشش قرار داده و بیش از ۲۵۰۰۰ نفر فارغ التحصیل داشته است.

بودجه مصوب این مرکز در سال ۱۳۹۶ حدود ۲۷۴ و نیم میلیارد تومان بود.

در لایحه پیشنهادی دولت برای سال آینده این رقم ۳۰۳ و نیم میلیارد تومان اعلام شده است.

سایر نهادهای مذهبی

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ از شمار زیادی از سازمان‌های مذهبی نام برده شده است که دولت برای بعضی از آنها نظیر شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه زنان، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم و شورای برنامه‌ریزی مدیریت حوزه علمیه خراسان پیشنهاد بودجه بالای هزار میلیارد ریال کرده است.

برای بعضی دیگر هم نظیر موسسه کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی رقم بودجه در مقایسه با بسیاری دیگر کمتر است.

.. ادامه در صفحه ۷

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 215 Feb. 2018

درد دل مردم، بیان نارضائی

مخبر: اعتراضات اخیر که مردم در شهرهای مختلف داشتند در جریان هستند.

اولی: تقریباً.

دومی: هم‌ماش از بیکاری و گرانی و بدبختی و مصیبت است.

سومی: بیکاری و تورم و دروغ‌گویی‌هاست، گول زدن مردم است.

چهارمی: بنده سه تا بچه دکتر مهندس توی این جامعه دارم که هر سه تا شون الان بیکارند.

خامی می‌گوید: من شوهرم بیچاره یک عده دست دوم لباس می‌فروشه، اونم گفته جمع کن، جمع کردیم ریختم

آنور، الان پیرمرد ۷۵ ساله صبح میره شب می‌آد، بچه ۳۷ ساله‌ام نه زن گرفته و نه...

نفر بعدی: ۲۵ درصد موج گرفتگی دارم تمام داروخانه ها را... در هیچ داروخانه‌ای نیست من یک جانباز برم

آزاد بخرم داروها را؟ بکی بگیم دردمو، الان کمرم ترکش داره، هر زمان امکان فلج شدن است، اصلاً ما فراموش شده‌گانی، یک داروئی به ما بده بخوریم

بمیریم، من جانباز برم آزاد بخرم داروها را؟ بکی بگم دردمو، الان کمرم ترکش داره، هر زمان امکان فلج شدن است، اصلاً ما فراموش شده‌گانی،

یک داروئی به ما بده بخوریم بمیریم، من جانباز دارم میگم ۷ سال هم تو منطقه بودم.

نفر بعدی: الان می‌خواد... ادامه در صفحه ۷

www.toufan.org

تارنمای توفان در شبکه مجازی

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزیی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

آدرس مکاتبات
Toufan
Postfach 11 38
64526 Mörfelden-Walldorf
Germany

حکومت‌های دینی هرگز حقوق انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند